

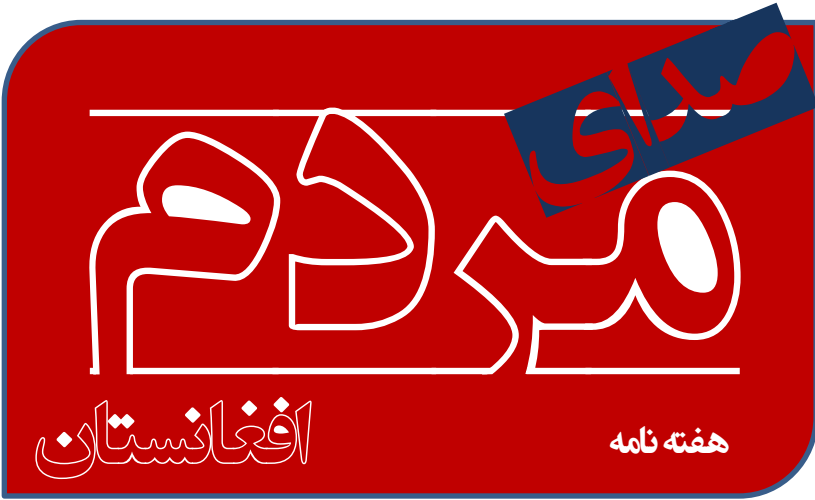
من ربابه آزاد اسناد تحصیلی لیسانس همراه با ترانسکرپت نمرات ام را، که از دانشگاه SRTM شهر نانید ایالت مهارشتر، کشور هندستان دریافت نموده بودم، در شهر کابل مفقود نموده ام؛ از یابنده محترم تقاضا می گردد، در صورت دریافت اسناد به شماره 0749889082 تماس گرفته، اسناد را تسلیم و شریینی اخذ نماید.

Advertisement

I Rubaba Azad have lost my BBA Degree and Transcript that was received from SRTM University, Nanded city of Maharashtra state of India, in Kabul, Afghanistan. The finder is requested to call 0749889082, offer the document to the owner and receive his/her reward.

سال پنجم، چهارشنبه، 3 دلو، 1397 هجری خورشیدی، 23 جنوری 2019

شماره 213



**طالبان گزارشها در مورد نشست اسلام آباد را رد کردند**

به نقل از طلوع نیوز، گروه طالبان دیدار نماینده‌گان این گروه را با زلمی خلیل‌زاد، فرستاده ویژه امریکا برای صلح افغانستان در پاکستان را شایعه می‌دانند. در حالی که برخی از رسانه‌های پاکستانی گزارش داده‌اند که احتمال دارد نماینده‌گان طالبان با هیأت امریکایی به رهبری زلمی خلیل‌زاد در اسلام‌آباد دیدار نمایند، اما ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی طالبان این خبر را رد کرده است. مجاهد در صفحه تویتش نگاشته است که گزارش‌ها درباره دیدار نماینده‌گان این گروه و زلمی خلیل‌زاد نادرست و شایعه است. این در حالی است که زلمی خلیل‌زاد در دومین روز سفرش به پاکستان، با عمران خان نخست‌وزیر این کشور دیدار کرده‌است. رسانه‌های پاکستان گزارش داده‌اند که دو طرف، در باره روند صلح افغانستان گفت‌وگو کرده‌اند. زلمی خلیل‌زاد، روز پنج‌شنبه، پس از دیدار با مقام‌های حکومت افغانستان به پاکستان رفت. او پیش از دیدار با نخست‌وزیر پاکستان، با شاه محمود قریشی وزیر خارجه این کشور دیداری داشته است. دفتر سخنگوی وزارت خارجه پاکستان می‌گوید که در این دیدار، قریشی تعهد سپرد که پاکستان در روند صلح با افغانستان همکاری خواهد کرد. خلیل‌زاد در حالی با عمران خان دیدار می‌کند که روز گذشته، عمران خان و رییس‌جمهور غنی در یک گفت‌وگوی تلفونی بر گفت‌وگوهای صلح «به‌رهبری و مالکیت افغان‌ها» تأکید کردند.

**۱۵ هراس افکن طالب در ولایت کندز کشته و زخمی شدند**

مسئولان ارتش در زون شمال افغانستان از کشته و زخمی شدن ۱۵ هراس افکن طالب در ولایت کندز خبر داده‌اند. در خبرنامه‌ای که دیروز شنبه (۲۹ جدی) از سوی قول اردوی ۲۰۹ شاهین به نشر رسیده، آمده است که ۱۵ هراس افکن طالب در نتیجه حمله هوایی نیروهای امنیتی افغانستان در این ولایت کشته و زخمی شدند. قول اردوی ۲۰۹ شاهین هم‌چنان گفته است که این هراس افکنان در حمله هوایی ارتش در ولسوالی قلعه زال کشته و زخمی شدند. در این خبرنامه آمده است: «این حمله هوایی روز گذشته در روستای افغان مزار ولسوالی قلعه زال ولایت کندز بالای قرارگاه مولوی کرامت الله و مولوی مقدس از فرماندهان گروه طالبان صورت گرفت که در نتیجه ۹ هراس افکن کشته و ۶ تروریست دیگر نیز زخم برداشته‌اند». خبرنامه می‌افزاید که در نتیجه حمله نیروهای امنیتی ۲ موتورسایکل، یک دیپوی مهمات و ۳ قرارگاه طالبان نیز از بین برده شده است. مسئولان ارتش در حالی از کشته و زخمی شدن ۱۵ هراس افکن طالب در ولسوالی قلعه زال ولایت کندز خبر داده‌اند که مسئولان محلی در این ولایت می‌گویند، ولسوالی قلعه زال کندز در آستانه‌ی سقوط کامل به دست طالبان قرار دارد و دولت به غیر از محوطه تعمیر ولسوالی، کنترل خود را در دیگر ساحات آن از دست داده است.

**بزرگ‌ترین انتخابات و کمیسیون متهم به فساد؛ آینده‌ی سیاسی افغانستان چه خواهد شد؟**



کمیسیون مستقل انتخابات

کمیسیون مستقل انتخابات، پس از نزدیک به سه‌ماه تأخیر، شام‌گاه دوشنبه (24 جدی)، نتیجه‌ی ابتدایی انتخابات پارلمانی ولایت کابل و حوزه‌ی کوچی‌ها را اعلام کرد. با اعلام شدن نتیجه‌ی ابتدایی این دو حوزه، «بخش اول» پرونده‌ی انتخابات پارلمانی 28 میزبان، بسته شد. اکنون کمیسیون رسیدگی به شکایات انتخاباتی بعد از بررسی شکایات و تخطی‌ها نتیجه‌ی نهایی این انتخابات را اعلام خواهد کرد. این در حالی است، که کمیسیون مستقل انتخابات، گام‌های عملی برای برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری سال آینده را نیز برداشته است.

**بنیادهای دینی تا چي حدی تضمین کننده رفتارهای اجتماعی است**

روستایی



اروپا و تشکیل دولت-ملت بر اساس معاهده‌ی تاریخی ویستفالی، به شکل ناهمگونی یا شاید هم به‌گونه عمده‌ی در حال تبدیل شدن به بافت سازمانی و تشکیلاتی بوده و نشان دهنده‌ی عمق فهم و ادراک بشری از شاخص‌های زیست جمعی می‌باشد. جهان امروزی آراسته به ارزش‌های دموکراتیک در سطح گفتمان سیاسی، برخوردار از انواع و اقسام تئوری‌های توسعه‌گرایانه در سطح مناسبات علمی-تحقیقی، بر دارنده پیشرفته‌ترین ابزارها و وسائل تکنولوژیکی و انواع اختراع‌های فناوری در سطوح مختلف بوده و این همه در ساختارمند بودن نظم جهانی و تبدیل شدن بافت‌های مرزی به جهان واحد، امکان پذیر است.

برداشت‌ها و ارزش‌های برخاسته از متون دینی، مدعی‌اند که می‌توانند تمامی رفتارهای بشری را در چوکات مطالبات و خواست‌های مشترک دینی ترسیم و تعیین نمایند. بستر و فهم ایدئولوژیک دینی ناشی از جامعیت و تمامیت این ارزش‌ها بوده و در متون مقدس دینی نیز بر آن‌ها اهتمام داده شده است. فهم ساختارمند از قدرت گفتمان دینی در جوامعی که با بافت سنتی و دغدغه‌های طبیعت‌گرائی دست و پنجه نرم می‌کنند، نشان می‌دهد که باورها و طرز برداشت‌های انسان دینی ناشی از تلقی‌های آخرت‌گرائی و دین محوری در سطح مناسبات‌های انسانی می‌باشد. جهان امروزی پس از اتفاقات هیجان‌انگیز در

**بر آیند گفتگوهای صلح چه خواهد بود؟**

محمد نسیم نظری



اقل برساند. تلاش‌های امریکا برای کشاندن رهبری گروه طالبان در میز گفت‌وگوها و سهیم‌ساختن این گروه در مناسبات قدرت و سیاست افغانستان، شوک عظیم ملی و بین‌المللی ایجاد نموده و کشورهای ذی‌نفع چون ایران و روسیه ادا شدند تا وقت کافی و هزینه‌ی لازم برای پروسه‌ی صلح افغانستان که (به نظر می‌رسد در گلوگاه آخر خویش نزدیک شده)، اختصاص دهند. از سوی دیگر گروه طالبان با پیش شرط خروج زود هنگام نیروهای نظامی امریکا و ناتو از افغانستان، در کارزارهای صلح و گفتمان آشتی ملی قدم گذاشته است.

ایالات متحده امریکا با انتصاب زلمی خلیل‌زاد به عنوان نماینده‌ی وزارت خارجه این کشور در امور صلح افغانستان، در تلاش است تا فرصت‌ها و ظرفیت‌های منطقه‌ای و جهانی صلح را در کنترل داشته و بازی صلح را با متحدان منطقه‌ی خویش چون پاکستان و امارات متحده‌ی عربی و برخی کشورهای هم‌جوار، مدیریت نمایند. تلاش‌های بی‌وقفه و پرهزینه‌ی خلیل‌زاد نشان می‌دهد که اتاق فکر کاخ سفید به شمول رهبری آن، تصمیم قاطع برای حل بحران چندین ساله‌ی افغانستان گرفته و تلاش دارد تا هزینه‌های گزاف نظامی-امنیتی امریکا را در افغانستان، کاهش و یا به حد

## گپ مردم



### جنون انسان کشی طالبان و

#### آیندهی مبهم صلح

نزدیک به پنج ماه پیش پس از آن که دولت امریکا به این نتیجه رسید، که جنگ افغانستان راه حل نظامی ندارد و باید برای پایان دادن این جنگ راه حل سیاسی جستجو شود، زلمی خلیل زاد در سمت نمایندهی ویژهی این کشور در امور صلح افغانستان منسوب شد، تا با جستجوی راه حل سیاسی به صورت مستقیم با طالبان گفتگو کند. به این منظور آقای خلیل زاد نخست با کنشگران مطرح سیاست در افغانستان دیدار و گفتگو کرد، سپس به کشورهای دخیل در منازعهی افغانستان سفر نمود و در سطح منطقه و جهان تلاشهای صلحجویانه اش را ادامه داد. طی این تلاشها آقای خلیل زاد موفق شد سه بار با نمایندگان طالبان دیدار و گفتگو کند، چهارمین دیدار او و هیأت همراهش با نمایندگان طالبان که قرار بود هفتهی گذشته در دوحه برگزار شود، به دلیل آنچه اختلاف بر سر اجندای ملاقات خوانده شده از سوی طالبان لغو شد. این در حالی است، که آقای خلیل زاد در سفر تازه اش به کابل، در نشست با شماری از نمایندگان رسانهها گفته است؛ اگر طالبان به جای صلح، جنگ را انتخاب کنند، آمریکا در کنار حکومت افغانستان با آنها خواهد جنگید. با این وصف، تا هنوز معلوم نیست، که ایالات متحده آمریکا به دنبال چیست؟ آیا این کشور می خواهد با طالبان به یک توافق سیاسی برسد یا نه در میدان جنگ با این گروه تصفیه حساب می کند؟

قدر مسلم اما این است، که تا کنون رویکرد دوگانهی امریکا و شرکای بین المللی دولت افغانستان در برابر طالبان، هیچ کمکی به روند صلح افغانستان نکرده است. در گذشته، دولت امریکا و جامعهی جهانی، یا طالبان را گروه تروریستی خوانده و از موضع قدرت با جنگجویان این گروه برخورد کرده اند و یا با رویکرد نسبتن نرم از این گروه خواسته؛ دست از رفتارهای خشونت آمیز بکشند و روی میز مذاکره حاضر شوند. تجربه نشان می دهد؛ به هر میزانی که با طالبان از راه صلح و آشتی برخورد شده، اعضای این گروه با راه اندازی حملات تروریستی در اماکن نظامی و غیر نظامی، خون و خشونت بیشتر به نمایش گذاشته اند. در جریان حاکمیت حکومت وحدت ملی، در کنار اعلام دو آتش بس در برابر طالبان، در میدان جنگ با این گروه با مداراجویی برخورد شد. این رفتارها اما به جای این که طالبان را برای رسیدن به یک توافق سیاسی با حکومت افغانستان و جامعهی جهانی تشویق کند، برای آنان وجهی جدیدی خلق کرد و به جنگجویان این گروه فرصت داد، تا با هجوم بردن بر پاسگاههای ارتش، بخشهای زیادی از کشور را از کنترل حکومت خارج کنند و با ادعای نفوذ بر بیش از 50 درصد از خاک افغانستان، جایگاهشان را در گفتگوهای صلح بالا ببرند.

در این گیرودار، به نظر می رسد، دولت امریکا چون حکومت افغانستان، در رابطه به گروه طالبان دچار خطای محاسباتی شده است. رفتار مداراجویانه در برابر گروهی که به جز ترویج بنیادگرایی و نمایش خون و خشونت، هدفی دیگری در سر ندارد، چیزی بیشتر از یک طرح تسلیم طلبانه نیست. احتمالن سیاسیون و مدیران ارشد دولت امریکا از ماهیت گروه طالبان آگاه اند و به خوبی می دانند که این گروه بر سر باورهای شان با هیچ کسی گفتگو نمی کنند. با این اوصاف، وقتی دولت امریکا هنوز به نتیجهی قطعی در رابطه به گروه طالبان نرسیده، عجیب است. در این طرف اما مردم افغانستان منتظر است، تا دولت امریکا تکلیف اش را با گروه طالبان مشخص کند.

## بزرگشی انتخابات و کمیسیون متهم به فساد؛ آیندهی سیاسی

### افغانستان چه خواهد شد؟

چشم پوشی کرد، اجرای تقلب گسترده و سازمان یافته از سوی مراجع قدرت در این پروسه است. در این شکی نیست که بخش عمدهای از شهروندان و قشر سیاسی افغانستان از انحصارگرایی و گناه نابکاری رهبری حکومت وحدت ملی به شدت خشمگین و ناراضی هستند. با این حال هرگاه نهادهای برگزارکنندهی انتخابات اصلاح نشود و استقلالیت این کمیسیونها تضمین نگردد، احتمال راه اندازی تقلب گسترده از سوی کمیسیون به نفع تکت مشخصی وجود دارد. بنابراین باید از همین حالا بر شفافیت پروسهی انتخابات با تطبیق اصلاحات در نهادهای برگزارکنندهی آن و حفظ استقلالیت این نهادها تأکید شود. اگر در سطح سیاسی ارادهی قاطع و جدی برای برگزاری شفاف پروسهی انتخابات وجود داشته باشد، تا هنوز فرصت کافی برای تطبیق اصلاحات در نهادهای برگزارکنندهی انتخابات موجود است.

سوم؛ نکتهی اساسی دیگر در بارهی انتخابات ریاست جمهوری، آیندهی سیاسی مردم و دولت افغانستان است. هرگاه انتخابات به عنوان دموکراتیک ترین سازوکار انتقال قدرت در نظر باشد و طرفهای درگیر در رقابت به این اصل ایمان داشته باشند، باید تمامی طرفها برای برگزاری شفاف این پروسه تلاش کنند. در غیر این صورت هرگاه انتخابات به سمت و سوی دیگری برود و استفاده از کارت قومی در این پروسه جدی شود، بدون شک آیندهی کشور و مردم افغانستان به مخاطره می افتد. واقعیت این است که وضعیت کنونی کشور شکننده تر و ملتهب تر از وضعیت این سرزمین در سال 2014 میلادی است. اگر انتخابات سال 2014 با میانجیگری وزیر خارجهی وقت امریکا، حل و فصل شد و وضعیت افغانستان به سمت یک فروپاشی عمومی نرفت، دلایل بسیاری داشت. اما در صورت ادامهی چنان افتضاح در انتخابات ریاست جمهوری سال آینده، کنترل وضعیت کار سادهای نخواهد بود. با توجه به این موارد، نهادهای بین المللی و جامعهی جهانی به شمول قشر سیاسی و آگاه افغانستان باید از همین حالا زمینههای رفتن به چنین وضعیتی را مسدود کنند و با اتکا به این منطق که پروسههای انتخابی به تداوم روند دموکراسی خواهی ملتها می انجامد نه به تششهای ویرانگر داخلی و بی ثباتی؛ برای مدیریت سالم این روند از منافع شخصی، تیمی و سمتی شان عبور کنند و بگذارند مردم تصمیم بگیرند.

کاندیدان برنده در انتخابات، درشت ترین اتهاماتی است که بر مدیران و حلقهی رهبری کمیسیون مستقل انتخابات وارد است. این روزها با وصف آن که هنوز شکایتها از سوی کمیسیون رسیدگی به شکایات انتخاباتی به گونه کامل بررسی نشده و نتیجهی نهایی انتخابات اعلام نشده است، اما کاندیدان حوزههای مختلف در برابر آن چه خرید و فروش کرسیهای پارلمان از سوی مدیران کمیسیون انتخابات خوانده می شود، دست به اعتراض زده اند.

با توجه به سطح بلند بی اعتمادی نسبت به نهادهای برگزارکنندهی انتخابات، از همین حالا می توان پیش بینی کرد، که پروندهی انتخابات پارلمانی به آسانی بسته نخواهد شد و اعتراضات برخاسته از این انتخابات، به التهاب سیاسی و اجتماعی موجود بیشتر از پیش دامن خواهد زد. از این منظر اگر به انتخابات و نهادهای برگزارکنندهی آن نگاه کنیم، با توجه به تجربهی انتخابات پارلمانی 28 میزان و قبل از آن انتخابات پر جنجال ریاست جمهوری سال 2014 که به شکل گیری حکومت توافقی وحدت ملی منجر شد، برای جلوگیری از بحران انتخاباتی و تداوم روندهای دموکراتیک و مردم سالار در کشور، توجه به چند نکته ضروری است.

یکم؛ بزرگشی انتخابات شروع شده است. احتمالن کنشگران اجتماعی سیاسی دخیل در رقابت، از همین حالا نسبت به آینده و برآیند انتخابات نگران هستند. عمده ترین نگرانی در پروسهی انتخابات ریاست جمهوری سال آینده، دامن زدن به ناامنیها و استفاده از کارت «تشدید جنگ» در حوزههای و بخشهای مختلف به منظور جلوگیری از سهم گیری مردم در انتخابات است. ممکن است، طرفهای درگیر در رقابت، با استفاده از این ترفند مانع حضور طرفداران رقیبان شان در پای صندوقهای رأی شوند و این گونه امنیت و آرامش مردم در گرو بازیهای انتخاباتی قرار گیرند. هرچند در صورتی که گفتگوهای صلح با طالبان و گروههای شورشی همسو با این گروه به نتیجه نرسد، طالبان با تمام توان پروسهی انتخابات را اخلال خواهند کرد و از برگزاری انتخابات نسبتن شفاف و همگانی جلوگیری خواهند نمود، اما نگرانی اصلی و اساسی این است، که طرفهای درگیر در رقابت، از کارت تشدید جنگ در بخشهای تحت نفوذ رقیبان شان، برای پایین آوردن میزان اشتراک مردم در انتخابات و کاهش برد تیم و تکت حریف استفاده نکنند. دوم؛ مورد دیگری که نمی توان در جریان انتخابات از آن

کمیسیون مستقل انتخابات، پس از نزدیک به سه ماه تأخیر، شامگاه دوشنبه (24 جدی)، نتیجهی ابتدایی انتخابات پارلمانی ولایت کابل و حوزهی کوچیها را اعلام کرد. با اعلام شدن نتیجهی ابتدایی این دو حوزه، «بخش اول» پروندهی انتخابات پارلمانی 28 میزان، بسته شد. اکنون کمیسیون رسیدگی به شکایات انتخاباتی بعد از بررسی شکایات و تخطیها نتیجهی نهایی این انتخابات را اعلام خواهد کرد. این در حالی است، که کمیسیون مستقل انتخابات، گامهای عملی برای برگزاری انتخابات ریاست جمهوری سال آینده را نیز برداشته است.

بهار امسال، پس از آن که پروسهی ثبت نام رأی دهندگان به درستی مدیریت نشد و میزان جعل و تقلب در شناسنامهها بسیار بالا رفت؛ کارشناسان و نهادهای ناظر انتخاباتی هشدار دادند، که در صورت تداوم پروسهی انتخابات بدون مدیریت لازم، این روند با چالشهای فراوانی مواجه خواهد شد. پس از آن، بنابر اطلاعات و گزارشهای تأیید شده، صدها هزار تذکره برای تقلب در انتخابات جعل شد و در بسیاری از ولایتها و ولسوالیها تعداد برچسب (استیکر) توزیع شده برای شناسایی افراد واجد شرایط رأی دهی، از تعداد نفوس آن بیشتر بود. اکنون آن چه در بانک اطلاعات کمیسیون انتخابات ثبت است، تعداد افراد واجد شرایط در پنج ولایت؛ ننگرهار، کندهار، خوست، پکتیا و کابل، از مجموع افراد واجد شرایط رأی دهی در ولایتهای دیگر بیشتر است. با این حساب حتا اگر فهرست رأی دهندگان از سوی کمیسیون مستقل انتخابات اصلاح شود و شناسنامههای جعلی شناسایی و باطل اعلام شود، باز هم از احتمال به کارگیری شناسنامههای جعلی در روز انتخابات نمی توان نگران نبود.

افزون بر این مورد، جریان انتخابات پارلمانی 28 میزان و پس از آن جریان شمارش و اعلام نتیجهی ابتدایی این انتخابات را شهروندان افغانستان دیدند. تخطی، تقلب و دست برد به رأی مردم و فروش کرسیهای پارلمان در بهای صدها هزار دالر و در مواردی تقاضای جنسی از کاندیدان زن در بدل شامل کردن نام آنان در فهرست ابتدایی

**افزون بر این مورد، جریان انتخابات پارلمانی 28 میزان و پس از آن جریان شمارش و اعلام نتیجهی ابتدایی این انتخابات را**

**شهروندان افغانستان دیدند. تخطی، تقلب و دست برد به رأی مردم و فروش کرسیهای پارلمان در بهای صدها هزار دالر و در**

**مواردی تقاضای جنسی از کاندیدان زن در بدل شامل کردن نام آنان در فهرست ابتدایی کاندیدان برنده در انتخابات، درشت ترین**

**اتهاماتی است که بر مدیران و حلقهی رهبری کمیسیون مستقل انتخابات وارد است. این روزها با وصف آن که هنوز شکایتها از**

**سوی کمیسیون رسیدگی به شکایات انتخاباتی به گونه کامل بررسی نشده و نتیجهی نهایی انتخابات اعلام نشده است، اما**

**کاندیدان حوزههای مختلف در برابر آن چه خرید و فروش کرسیهای پارلمان از سوی مدیران کمیسیون انتخابات خوانده می شود،**

**دست به اعتراض زده اند.**

## بر آیند گفتگوهای صلح چه خواهد...

می‌تواند ساختارهای دموکراتیک را در کشور با حضور طالبان حفظ و دستاوردهای یک‌ونیم دهه تلاش نظامی برای استقرار ثبات سیاسی و توازن ملی را در نظر بگیرد؟

افغانستان کشوری است که در کشاکش سنت و مدرنیته در سطوح مختلف سازمانی، رفتار اجتماعی، گفت‌وگوهای مدنی، استدلال‌های حقوقی قرار داشته و تفکیک باور و طرز برداشت سنتی با باورهای مدرن، عمده‌ترین پارادوکس و اصلی‌ترین چالش فکری پنداشته می‌شود. بسترهای اجتماعی در طبیعت و واقعیت‌های عینی خویش در بردارنده‌ی اندیشه‌های گوناگون و طرز باورهای مختلف می‌باشد. همسانی و همگونی در ذات و واقعیت‌های عینی اجتماع انسانی غیر ممکن و گاهن غیر عقلانی می‌باشد. برخورد شخص با جامعه و محیط پیرامون، وسعت نظر و قدرت فکر و باور او را در شناخت اشیا و محیط اجتماعی نشان می‌دهد. در گیرودار تضاد فکری و تقابل ایدئولوژیک، محیط اجتماعی رشد و به مرحله کمال می‌رسد. اما به لحاظ ساختار اجتماعی، همگونی نسبی و توافق مشترک برای برخی امور مربوط به سازمان اجتماعی، مفید و ضروری می‌باشد. با در نظر داشت این موارد، سطح سیاسی و فرهنگی جامعه‌ی افغانستان، نشان می‌دهد که تضاد ساختاری میان اندیشه‌ها و تقابل برداشتها بیشتر ناشی از درک و تشخیص پارادایم‌های مدرن با شاخصه‌های سنتی رفتار انسان افغانی می‌باشد. تضاد منافع و ایجاد گفت‌وگو میان ساختارهای قومی-قبیله‌ای مهم‌ترین شاخص‌های نظام سیاسی افغانستان بوده و چرخش قدرت نیز بر اساس همین باور قابلیت عینی و عملی پیدا می‌کند.

پروژه صلح به عنوان میکانیزم اجتماعی و یا به تعبیری جامعه شناختی (گفت‌وگوهای اجتماعی)، نیازمند درک و فهم درست از محیط پیرامون، سازوکارهای منطقه‌ای و گفت‌وگوهای حاکم نظام بین‌المللی است. عدم توجه به زیرساخت‌های جامعه‌ی افغانستان می‌تواند خطرات مهلک برای این گفت‌وگوها در پی داشته باشد. به لحاظ دانش اجتماعی و جامعه‌شناسی سیاسی، هر گفت‌وگویی اجتماعی باید با حضور سازمان‌ها و نهادهای مرتبط انجام شود. روند گفت‌وگوهای اجتماعی باید شفاف، عملی، قابل فهم برای

پیش شرط طالبان هرچند به لحاظ سیاسی و امنیتی برای امریکا که بیشترین مصارف نظامی را در افغانستان نموده است؛ سنگین و حتی غیر قابل تحمل می‌باشد، اما گفت‌وگو صلح و رسیدن به یک راه حل سیاسی برای کاخ سفید مهم پنداشته می‌شود. در هیاهوی گفت‌وگوهای صلح، افغانستان در آستانه‌ی انتخابات سرنوشت ساز ریاست‌جمهوری در سال آینده قرار دارد. ابهام پروژه‌ی صلح و گفت‌وگوهای پشت درب‌های بسته این مذاکرات، حکومت افغانستان، نهادهای مدنی، شبکه‌های قوی سیاسی، بانک‌های رأی، چهره‌های تأثیر گذار و شاخص را در حالت از ابهام و بی‌باوری گذاشته و به انتخابات به عنوان گزینه‌ی مناسب با وجود پروژه‌ی صلح و سهم‌شدن طالبان در قدرت، به دیده‌ی شک و تردید می‌نگرند.

از سوی هم، نهادهای ناظر بین‌المللی و برخی مراکز تحقیقاتی موجود در افغانستان؛ خواهان برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری و تداوم نظام دموکراسی در کشور می‌باشد. این نهادها تأکید می‌کنند، که دموکراسی و چرخش قدرت بر اساس پارادایم اراده‌ی عمومی تنها راه حل موجود سیاسی برای پایان دادن بحران در افغانستان بوده و هیچ گزینه‌ی بهتر از آن وجود ندارد. این نهادها هشدار می‌دهند که نباید افغانستان دوباره به سوی نظام‌های بنیادگرائی و یا توتالیترسم سیاسی سوق داده شود. اما این نهادها و ناظرین بین‌المللی خواستار اصلاحات همه‌جانبه در سطوح مختلف ساختار کمیسیون مستقل انتخابات بوده و از حکومت می‌خواهند تا در مورد اصلاحات انتخاباتی تلاش‌های مفید انجام دهند.

در بطن این کشمکش‌ها و تضادهای ساختاری، ایدئولوژیک، نهادی و محوری، آن‌چه مهم‌ترین مسئله برای انسان افغانی در شرایط حساس کنونی پنداشته می‌شود، حفظ ساختار دموکراتیک، مبتنی بر خواست و اراده عمومی می‌باشد. اما عمده‌ترین سوال برای شهروندان کشور این است که آیا با گسترش تلاش‌های آمریکا برای صلح افغانستان، این تلاش‌ها تا چه حد

## بنیادهای دینی تا چی حدی تضمین کننده...

نشان واضح از تضاد بنیادین دین با فهم جدید و ساختارهای ایدئولوژیک مروج می‌باشد. دین در ساخت رفتار بشری هرچند دستاوردهای قابل ملاحظه و ارزش‌مندی را داشته است؛ اما در سطح گفت‌وگو حاکم امروزی و مطالبات کنونی دچار چالش‌های تئوری فراوان در تشخیص قابلیت‌های عملی و عینی پارادایم‌های تعریف شده خویش می‌باشد.

بسترهای دینی نه تنها در تفسیر موارد مدرن و برداشت جدید، دچار بحران فکری بوده بلکه در تقابل صنعت و بافت مدرن نیز دچار تنوع فکری و تضادهای اندیشه‌ای می‌باشد. سابقه فکری جوامع اسلامی با ارزش‌های بنیادین دینی گره خورده و خروج آن‌ها از این موارد به معنی نادیده انگاشتن ظرفیت‌های دینی و در سطح عموم ارزش‌های اخلاقی- دینی تلقی می‌گردد. مهم‌ترین برداشت از مبانی دینی و تئوری‌های برخاسته از آن‌ها ایمان به آخرت و تلاش برای رسیدن به کمال که همانا قرب الهی بوده، می‌باشد. حوزه گفت‌وگوهای بسترهای دینی

همگان و متناسب با روحیه درون سازمانی و باورهای ارزشی آن‌ها باشد. پروژه‌ی صلح به عنوان مهم‌ترین گفت‌وگویی اجتماعی و ملی افغانستان برای شهروندان این کشور از اهمیت خاص برخوردار بوده و باید تمامی دیدگاه‌های جریان‌های موجود سیاسی، فرهنگی، مدنی و اجتماعی در آن مورد توجه قرار گیرد.

کشورها و سازمان‌های که در پروژه‌ی صلح افغانستان به نحوی دخیل اند؛ باید فرصت‌های مهم گفت‌وگوهای این پروژه را در سطح جامعه‌ی افغانستان و همین گونه در سطح مناسبات سیاسی-امنیتی، کشورهای منطقه ایجاد و اجماع ملی و منطقه‌ای را برای صلح افغانستان به وجود آورند. از طرفی هم؛ کشورهای دخیل در این گفت‌وگوها باید تضمین بین‌المللی برای مردم افغانستان ارائه دهند و حمایت جامعه‌ی جهانی را از این روند، در اولویت کاری خویش قرار دهند. اما؛ متأسفانه این گفت‌وگوها با نبود میکانیزم روشن و شفاف، عدم آگاهی از مراحل مذاکرات، فقدان مدیریت واحد منطقه‌ای و جهانی از این روند، نبود سازوکارهای مشخص برای تضمین نظام دموکراسی و ساختار اداری افغانستان، عدم حضور نماینده‌ی حکومت و جریان‌های سیاسی، گفت‌وگوهای پشت درب بسته و بدون آگاهی عمومی، گزینش طرف‌های مذاکره‌کننده به دستور برخی حلقات سیاسی خاص در سطح منطقه و جهان بدون مشورت سیاسی با جناح‌های مهم منطقه‌ای و جهانی، ابهام جدی در روند گفت‌وگوها و عدم اطلاع حکومت افغانستان به عنوان طرف اصلی مذاکرات، روبرو بوده و به نظر می‌رسد که آینده‌ی نظام دموکراتیک و ساختارهای توازن قوا در افغانستان، به شدت مبهم و غیر قابل پیش‌بینی می‌باشد. با در نظر داشت این موارد و ده‌ها موارد از این دست، پروژه‌ی صلح به عنوان گفت‌وگوهای ملی افغانستان باید با مردم و نخبگان سیاسی و پشتوانه بین‌المللی، انجام شده و شهروندان افغانستان به عنوان طرف اصلی مذاکرات در مراحل مختلف گفت‌وگوها سهمیم و از جزئیات آن آگاه شوند. در غیر این صورت هرگونه تلاش؛ برای پایان دادن به بحران افغانستان، انداختن تیر در تاریکی بدون هدف و نتیجه می‌باشد.

به نوعی تلاش برای رفتن به نابودی و گذشتن از سدهای زندگی است؛ تلقی که نه تنها با روحیه آموزه‌های مدرن بلکه با فلسفه وجودی این بنیاد نیز در تضاد اساسی قرار دارد. فلسفه سازوکارهای مدرن؛ ارزش‌گذاری به انسان‌ها و توجه به دنیا به جای تعقل به جهان فانی و یا مرگ انسانی می‌باشد. انسان مدرن تلاش دارد تا در دنیا هر آنچه می‌خواهد به دست آورد و ابزارهای طبیعی را در اختیار بی‌گیرد.

سکولاریسم امروزی در صدد تسخیر روحیه بشری برای رسیدن به آمال دنیایی بوده و هیچ نوع بازتاب آخرت‌گرائی در آن قابل تصور نیست. اما در کنار فهم دنیایی از پارادایم‌های چون: سیاست، اقتصاد، فرهنگ، هنر، علم، ادبیات، موسیقی... تلاش دارد تا به پرسش‌های بنیادین انسان‌ها نیز پاسخ‌های منطقی و قابل توجهی را ارائه نماید. با در نظر داشت این فهم و با درک از شرایط بسترهای به وجود آمده در عصر کنونی؛ تلقی‌های سنتی از ارزش‌های دینی نمی‌تواند آسایش عمومی و رفاه همگانی را به تنهایی آماده سازد.

## برگی از تاریخ

### انتخابات ریاست‌جمهوری سال 2014 افغانستان

"در انتخابات ما آپریل، عبدالله عبدالله رأی مردم را در 19 ولایت از 34 ولایت به دست آورد (اشرف غنی در 14 ولایت و زلمی رسول در ولایت کندهار پیروز شد). اشرف غنی دو ماه بعد در دور دوم انتخابات، به صورت غیر منتظره رأی مردم در 18 ولایت از 34 ولایت را به دست آورد و به این ترتیب پیروز انتخابات ریاست‌جمهوری شد. در کابل، عبدالله عبدالله در دور اول انتخابات (با 49.5٪ در برابر 31.5٪) پیشتاز بود، اما در دور دوم انتخابات با تفاوت 3.7 درصدی پیروزی در این ولایت را از دست داد. این یک تغییر باورنکردنی در ترجیحات رأی‌دهندگان در شهری است که دارای جمعیت وسیع و از نظر قومی-زبانی مختلط است. از آن‌جایی که زلمی رسول در دور اول انتخابات با کسب 53 درصد آرا پیروزی کندهار را به دست آورد، در دور دوم انتخابات ظاهراً پشتون‌های کندهار براساس مرزبندی قومی-زبانی رأی دادند تا اشرف غنی پیروز قاطع انتخابات در این ولایت شود. در کندز، عبدالله عبدالله در دور اول انتخابات (با 46.6 درصد در برابر 37.5 درصد) پیشتاز بود، اما در دور دوم انتخابات با 15.3 درصد آرای این ولایت را از دست داد، بازهم نوسان و سرگردانی آرای رای‌دهندگان، که سوالات بسیاری را مطرح می‌کند. در سرپل، عبدالله عبدالله در دور دوم با تفاوت بالا (50٪ در برابر 38.2 درصد) پیروز بود، اما در دور دوم با 7 درصد در این ولایت شکست خورد. همین‌طور در کندز، حذف سایر کاندیداها ظاهراً به تنهایی نمی‌تواند نوسان در رأی یا آرای سرگردان را توضیح دهد، ترکیب قومی-زبانی این ولایت نشان می‌دهد که پشتون‌ها و ازبیک‌ها 75 درصد جمعیت این ولایت را تشکیل می‌دهند. در وردک، عبدالله در دور اول بیش از دو برابر رأی داشت (36 درصد در برابر 15 درصد)، اما در دور دوم با تفاوت 60 درصدی در این ولایت باخت، زیرا «در دور دوم» رأی‌دهندگان عبدالرسول سیاف، ظاهراً به مرزبندی‌های قومی-زبانی رجوع کرده و از اشرف غنی حمایت کردند.

پس از دور دوم انتخابات، افغانستان در هرج و مرج سقوط کرد. هم غنی و هم رقیب او، عبدالله عبدالله یکدیگر را به تقلب متهم کردند. همان‌طور که در ذیل نشان داده شده است، احتمال خشونت مرتبط با نتایج انتخابات به حدی بالا رفت که جان‌کوری، وزیر امور خارجه‌ی ایالات متحده با پیش گذاشت تا میان غنی و عبدالله سازش به وجود بیاورد. به این ترتیب با تشریک قدرت میان دو نامزد، حکومت وحدت ملی شکل گرفت؛ غنی رییس‌جمهور شد و عبدالله عبدالله در مقام تازه ایجادشده‌ی رییس اجرایی کشور ایستاد.

یک‌ونیم سال پس از انتخابات، سرانجام کمیسیون مستقل انتخابات نتایج انتخابات را به صورت علنی تأیید کرد... رقم قابل توجه از آرا باطل شد. «بیش از 850000 رأی پس از ماه‌ها بازشماری تحت نظارت سازمان ملل متحد باطل شد. از این آرای باطل‌شده، بیش از 567000 آن به نفع غنی به صندوق ریخته شده بود، در حالی که بیش از 284000 آن به نفع عبدالله «تیک» خورده بود.»

نتایج رسمی غنی را با 55.27 درصد آرا در مقایسه با 44.73 در صد عبدالله، پیروز دور دوم انتخابات تعیین می‌کند. منبع: توماس جانسون، افسانه دموکراسی انتخاباتی افغانستان، مترجم؛ جلیل پژواک، ناشر؛ انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان، سال 1397، صص 26-27

- تنها "گپ مردم" بازتاب‌دهنده‌ی موضع‌گیری رسمی نشریه است و مسئولیت نوشته‌های دیگر به عهده‌ی نویسندگان آن می‌باشد.
- "صدای مردم افغانستان"، از ارسال نوشته‌های خوب شما استقبال می‌کند. اداره‌ی نشریه در ویرایش، نشر و یا عدم نشر نوشته‌ها دست باز دارد.

فیس بوک: هفته نامه صدای مردم افغانستان  
آدرس دفتر: کابل، کارته - 3، سرک شش، نزدیک ریاست پاسپورت

مدیر مسئول  
عبدالخالق آزاد  
شماره‌ی تماس: 0798577808  
سر دبیر  
اسحق علی احساس  
ایمیل: sadaaym@gmail.com  
زیر نظر شورای نویسندگان

سال پنجم، چهارشنبه، 3 دلو 1397 هجری خورشیدی، 23 جنوری 2019 میلادی

شماره‌ی 213

نقد اجتماعی

## قدرت در دستان مردم است

بهنود رضایی

بدون شک که انتخابات از مولفه‌های اصلی نظام دموکراتیک بوده و هدف نهایی آن تعیین سرنوشت شهروندان بر اساس آرای ملت می‌باشد. اما در افغانستان از روز که مردم شاهد برگزاری انتخابات بوده این هدف به مقصد نرسیده است. مردم با حضور پرشور در پای صندوق‌های رای حاضر شده است، تا بتواند با استفاده از حق رای خود سرنوشت شان را با اراده خویش تعیین نماید. با وجود که نظام مردم سالار و انتخابات در شرایطی جای‌گزین نظام‌های قبلی در کشور گردید؛ که نه مردم و نه کارگزاران حکومتی آماده‌ی پذیرش آن بودند؛ اما با گذشت چندین دور انتخابات ریاست جمهوری، پارلمانی و شورای‌های ولایتی مردم هم‌چنان کتله‌ای و گروهی بنابه تشویق رهبران جهادی، قوماندانان، زورمندان و منتفدین محلی رای خویش را استعمال نمودند.

با چنین روی‌کردی بعضی از رهبران جهادی-سیاسی لقب بانک رای را به خود گرفته، این‌ها با نفوذ و مهره‌های که در درون مردم داشتند می‌توانستند توده‌های مردم را با شعارهای پوپولیستی و میان تهی ترغیب نموده و رای شان را به سمتی خاصی جهت دهند. در دوره‌های پیشین انتخابات ریاست جمهوری کاندیدان برای پست معاونیت سراغ همین بانک‌های رای می‌رفتند. اساسی‌ترین مسئله برای کاندیدان صرف رای این چهره‌ها است، نه شایستگی، دانایی و مدیریت. در حالی که این چهره‌ها هیچ‌گونه ظرفیت را برای احراز چوکی معاونیت ریاست جمهوری ندارند.

در انتخابات ریاست جمهوری سال 2009 و 2014 اشخاصی که در تکت‌های انتخاباتی تعیین گردیدند، آن‌ها بودند که معروف به بانک رای در سطح مناسبات ملی افغانستان شناخته می‌شدند و توانستند رای قابل توجهی را به نفع کاندیدان مورد نظر جمع آوری نمایند. اما با عبور از انتخابات این چهره‌های معروف به بانک رای نتوانستند به خواسته‌های مردم خویش برسند و خدماتی سیاسی برای هواداران شان انجام دهند، تلقی عمومی از چهره‌های ذی نفوذ این‌گونه چارچوب بندی شده، که تا زمانی این‌ها قابل استفاده هستند، که انتخابات به نتیجه برسد. ناراضیاتی مردم در دوره حکومت وحدت به اوج‌اش رسیده است و بانک‌های رای در کنار رئیس حکومت وحدت ملی و رئیس اجرائیه از ظرفیت و قدرت نفوذ گزاری خویش، نتوانستند/نخواستند، استفاده مفید نمایند. حضور سمبولیک چهره‌های اجتماعی در این دوره به حدی نهایی خویش رسیده و تا جای که جنرال دوستم در کنار اشرف غنی حتی کارش به تبعید خود خواسته کشانیده شد و محقق در کنار رئیس اجرائیه صرف به کش و فکش‌های ظاهری اکتفا کرد.

برگزاری انتخابات پارلمانی 28 و 29 میزان 1397 با تمام مشکلات که داشت یک مسئله را به‌گونه جدی برجسته ساخته بود و آن، این‌که بانک‌های رای فرو ریخته و ورشکسته شده است. رهبران جهادی به پندار خویش که می‌توانند هم‌چنان رای مردم را به سمت و سوی جهت دهی نمایند این بار با کاندیدا نمودن پسران خویش در انتخابات پارلمانی نتوانستند رای مردم را از آن خود نمایند. اما این روزها که بازار معاونین کاندیدان ریاست جمهوری داغ است، دیده می‌شود که هم‌چنان چانه‌زنی بر سر بانک‌های رای وجود دارد. هر یک از کاندیداها در تلاش است تا یکی از این بانک‌های رای را در کنار خود داشته باشد.

با وجود درگیری‌ها و مشکلات که در جامعه وجود دارد و تجربه‌ی چندین دور انتخابات و کارنامه‌های رهبران جهادی-سیاسی، مردم به این نتیجه رسیده‌اند، که تنها چیزی که تاثیر روی زندگی و آینده شان دارند همانا انتخابات و استفاده از حق رای شان است، که از آن به وجه احسن باید استفاده نمود. مراکز جمع آوری رای دیگر قابلیت عملی و عینی برای سازوکارهای سیاسی از جمله انتخابات نداشته و افکار عمومی به جای مراجعه به چهره‌های ذی‌نفوذ به دنبال منافع سیاسی و ارزش‌های دموکراتیک هستند.

## پراکندگی سیاسی؛ آیا تاریخ انقضای بانک‌های رای فرا رسیده است؟

امیر پناهیان

در این روزها فضای سیاسی افغانستان شاهد صفت‌بندی‌های سیاسی و تشکیل تکت‌های انتخاباتی برای رفتن به انتخابات سرنوشت ساز ریاست‌جمهوری می‌باشد. حلقات سیاسی برای یافتن هم‌فکران و تشکیل تیم‌های قدرت‌مند مشغول چانه‌زنی‌های فراوان با طیف‌های مختلف هستند. صفت‌بندی‌های سیاسی در حالی به سرعت انجام می‌شود، که کمیسیون مستقل انتخابات آخرین مهلت ثبت‌نام را آخر ماه جدی سال جاری تعیین نموده و تأکید می‌کند که این مهلت قابل تمدید نمی‌باشد. از سوی دیگر، بر اساس گزارش‌های کمیسیون مستقل انتخابات، تا اکنون 70 نفر بسته‌های معلوماتی از کمیسیون انتخابات دریافت کرده؛ اما تا هنوز فقط هشت فرد نام‌های شان را به عنوان نامزدان ریاست‌جمهوری سال آینده در این کمیسیون ثبت کرده‌اند.

این در حالی است که کمیسیون مستقل انتخابات پس از دو ماه، با وجود فشارهای سنگین مطبوعاتی و سیاسی، نتایج ابتدائی انتخابات پارلمانی حوزه‌ی کابل را اعلام نموده است. به دنبال اعلان نتایج انتخابات پارلمانی کابل؛ تعداد زیادی از نامزدان این حوزه، با صدور اعلامیه‌های تند و جدی، کمیسیون انتخابات را هشدار دادند تا در آرای حوزه‌ی کابل بازنگری نموده و آرای پاک را از آرای تقلبی تفکیک نمایند. این نامزدان معترض به حکومت نیز هشدار می‌دهند که اگر اصلاحات جدی در رهبری کمیسیون مستقل انتخابات به میان نیاید، رفتن به سوی انتخابات ریاست‌جمهوری فاجعه‌ی سیاسی و دهن‌نمودن نظام دموکراسی خواهد بود.

از سوی هم؛ سخنگوی کمیسیون سمع شکایات، در مصاحبه با رسانه‌ها می‌گوید، تا اکنون این کمیسیون بیش از هزار مورد اعتراض در پیوند به نتیجه‌ی ابتدائی کابل دریافت نموده و تلاش دارد تا به زودترین فرصت ممکن به این اعتراض‌ها رسیدگی نموده و جزئیات رسیدگی را با مردم و نهادهای ناظر انتخاباتی شریک نماید. هم‌چنین این عضو کمیسیون سمع شکایات تأکید می‌کند که احتمال تغییرات اساسی در فهرست اعلامی کمیسیون مستقل انتخابات وجود دارد و کمیسیون سمع شکایات از هرگونه امکانات و ابزار قانونی لازم برای شفافیت و جلوگیری از تقلب‌های سازمان‌یافته استفاده خواهد کرد.

اما با این وجود؛ تکت‌های انتخاباتی ریاست‌جمهوری با حضور نخبگان سیاسی، چهره‌های جهادی، جریان‌های مدنی و احزاب سیاسی، در حال رای‌زنی و گفت‌وگو برای رفتن به سوی انتخابات ریاست‌جمهوری در سال آینده هستند. آن‌چه عمده‌ترین و داغ‌ترین تحلیل روز افغانستان به شمار می‌رود، این است که آیا چهره‌های با نفوذ مردمی و برخی احزاب سیاسی قدرت‌مند، هنوز هم بر افکار عمومی مسلط بوده و می‌توانند نفوذ اجتماعی خویش را در تعیین رئیس‌جمهور آینده به کار گیرند؟ یا نه افکار عمومی با درک از شرایط و

حساسیت‌های موجود، به کاندیدای مورد علاقه‌ی خویش رای خواهند داد؟

چندی قبل با شدت گرفتن چانه‌زنی‌های سیاسی، شاه حسین مرتضوی، معاون سخنگوی رییس‌جمهور در صفحه‌ی فیسبوکش نوشته بود که «بانک‌های رای؛ دیگر وجود نخواهد داشت و مردم بر اساس واقعیت‌های جامعه و ارزش‌های موجود تصمیم خواهند گرفت». به باور او مردم و شهروندان افغانستان دیگر به چهره‌های قدرت‌مند قومی باور نداشته و به حد اعلی از بلوغ سیاسی و فکری رسیده‌اند، تا نسبت به سرنوشت و حساسیت‌های زندگی خویش تصمیم بگیرند. حالا با در نظرداشت حساسیت‌های کنونی کشور می‌توان به موارد ذیل به عنوان واقعیت‌های موجود اشاره کرد.

1- جامعه‌ی افغانستان به علت بافت تباری-قومی و یا به تعبیری بهتر تسلط فرهنگ هم‌خونی بر زیر ساخت‌های فکری، همیشه در مراحل حساس و تاریخی، به سمت تبارگرایی و قبیله‌محوری حرکت می‌کند. بافت کلی نظام سیاسی در افغانستان مبتنی بر ساختارهای قومی و تفکیک قدرت بر معیار نفوذ، ولایت، شاخص‌های قدرت عمومی، شبکه‌های به هم پیوسته‌ی اجتماعی و موارد از این دست استوار بوده و شایسته‌محوری به جای برداشت قومی همیشه مغلوب و ناکام میدان سیاست می‌باشد. توافق بُن به عنوان مهم‌ترین سند حقوقی، نیز بر اساس تقسیم قدرت میان اقوام ساکنین در افغانستان بوده و در نوع خود بیانگر زیر ساخت‌های قومی و تباری به شدت قوی در افغانستان می‌باشد.

2- دموکراسی به عنوان معقول‌ترین سازوکار حقوقی-سیاسی برای تبدیل و چرخش گفتمان قدرت سیاسی، مورد توجه اکثر

جامعه‌ی افغانستان به علت بافت تباری-قومی و یا به تعبیری بهتر تسلط فرهنگ هم‌خونی بر

زیر ساخت‌های فکری، همیشه در مراحل حساس و تاریخی، به سمت تبارگرایی و

قبیله‌محوری حرکت می‌کند. بافت کلی نظام سیاسی در افغانستان مبتنی بر ساختارهای قومی

و تفکیک قدرت بر معیار نفوذ، ولایت، شاخص‌های قدرت عمومی، شبکه‌های به هم پیوسته‌ی

اجتماعی و موارد از این دست استوار بوده و شایسته‌محوری به جای برداشت قومی همیشه

مغلوب و ناکام میدان سیاست می‌باشد. توافق بُن به عنوان مهم‌ترین سند حقوقی، نیز بر

اساس تقسیم قدرت میان اقوام ساکنین در افغانستان بوده و در نوع خود بیانگر زیر ساخت‌های

قومی و تباری به شدت قوی در افغانستان می‌باشد.



دولت‌ها در جهان بوده و تنها گزینه برای فرار از انحصار قدرت در حلقات خاص سیاسی می‌باشد. این مودل جهانی با شاخ و برگ‌های هرچند از دید منتقدان، دارای معایب و کاستی‌های نیز می‌باشد اما در نوع خود حاوی میکانیزم نسبتن روشن و شفاف برای تبدیل گفتمان قدرت سیاسی پنداشته می‌شود. اما در افغانستان به علت تنوع فرهنگ سیاسی و نیز تعلقات تباری-ساختاری میان ساکنین این کشور، ارزش‌های دموکراتیک با وجود معیارهای بلند سیاسی خویش با گذشت 18 سال از عمر آن، تا اکنون نتوانسته است به عنوان گفتمان ملی در سطح جامعه‌ی افغانستان و مشخص میان نخبگان سیاسی مطرح گردد. نخبگان سیاسی و بانک‌های رای، همیشه در مراحل حساس و سرنوشت‌ساز، به سراغ جریان‌های می‌روند که هیچ نوع سختی و وجه مشترک با همدیگر ندارند. چهره‌ها و حلقات سیاسی، به دنبال معاملات و تعاملاتی غیر منطقی هستند که از هیچ منظر نمی‌توان الگوی مناسب و یا حد اقل نسبی آن را در نظام‌های دموکراتیک یافت. نظام‌های مردم‌سالار به علت فقدان توتالیترسیم سیاسی و الیگارشی نظام‌مند، دارای اهداف و ویژگی کلی و مشترک هستند؛ که دست کم آن‌ها را در یک طیف سیاسی واحد قرار می‌دهد؛ اما در ساختار اجتماعی-سیاسی افغانستان، تا هنوز هیچ باور به هنجارهای مشترک این نظام به وجود نیامده و هر جریان سیاسی بدون هیچ نوع دغدغه‌ی نهادی وارد معاملات سیاسی می‌شوند که حد اقل منطق جریان‌ی و حتی تباری ندارد.

3- ارزش‌های سیاسی در جامعه‌ی افغانستان با کمال تأسف هیچ سقف و موقعیت نداشته و تبدلات فرهنگی در آن دخالت مستقیم و غیرمستقیم ندارد. تفکیک قدرت‌های اجتماعی میان فرهنگ ایدئولوژیک ساختارهای سیاسی، نه تنها منطق ندارد، بلکه بی‌رویه هم می‌باشد.

4- عدم باورمندی جریان‌های سیاسی افغانستان به قدرت عمومی و اراده‌ی همگانی به عنوان اصلی‌ترین معضل فراروی ساختارمند نمودن قدرت سیاسی تلقی گردیده و متأسفانه هیچ راه خروج و طرح بدیل برای جلوگیری از آن وجود ندارد. هرچند صفت‌بندی‌های سیاسی و یارگیری‌های تیمی با وجود پروسه‌ی صلح و گفت‌وگوهای ایالات متحده با گروه طالبان، نشان‌دهنده‌ی تداوم ساختار دموکراسی و استقرار ثبات سیاسی در کشور است؛ اما ادامه‌ی روند تشکیل تکت‌های انتخاباتی بر معیار های موجود، دهن‌نمودن دموکراسی و استقلالیت‌های سیاسی در سطوح مختلف خواهد بود.